

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@afgazad.com](mailto:afgazad@afgazad.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

سازمان انقلابی افغانستان

## «جامعه جهانی» یا امپریالیست های خونخوار؟

به ادامه گذشته :

«یو اس ای آی دی» یا اداره انکشافی بین المللی ایالات متحده امریکا همانطوری که در توسعه نفوذ امپریالیستی ایالات متحده در کشورهای دیگر جهان فعال بوده، در افغانستان نیز بسیار فعال می باشد. این مؤسسه ظاهراً سرمایه گذاری های خصوصی را در افغانستان کمک می کند، مصارف اتاق های تجارت را می پردازد، زنان تجارت پیشه را کمک می کند، برای رسانه ها پول می پردازد (برای تلویزیون طلوع پنج میلیون دالر داد)، اکثر پروژه های بازسازی زیر نظر آن قرار دارد، برای احیای بخش معارف و تحصیلات عالی کمک می کند و به این ترتیب این مؤسسه امریکایی که در پشت پرده، سیا آن را هدایت می کند، درین چند سال توانسته است بخش های بسیاری را زیر پوشش بگیرد. این مؤسسه بیشترین کمک را به نهادهای «جامعه مدنی» می کند، کمک هایی که به وسیله سیا از طریق سفارت امریکا صورت می گیرد.

بیشترین توجه امپریالیست ها در قدم اول به سیستم مخابراتی افغانستان است که تا حال حدود هفتصد میلیون دالر بر آن سرمایه گذاری شده است و حال حدود پنج میلیون نفر به تلفون موبایل دسترسی دارند. هر یک از این کمپنی ها ماهانه بیش از ۲۰ میلیون دالر عاید دارد و به سرعت در حال گسترش می باشد. سرمایه داران تلاش دارند تا افغانستان را بیش ازین به شبکه های مخابراتی منطقه و جهان وصل سازند و این برای چارراهی چون افغانستان در نزد این کمپنی ها بسیار مهم و با اهمیت می باشد. بیشترین بخش عاید کمپنی های امپریالیستی که سود خالص برای شان تولید می کند، همین کمپنی های مخابراتی می باشد. مصارف اعلانات در ۲۰۰۷ به ۲۰ میلیون دالر رسید و سال به سال بیشتر می گردد.

بعد از بخش مخابرات، بیشترین توجه سرمایه داران امریکایی به بانک های افغانستان می باشد. نظام بانکی افغانستان که به سرعت در جهت تسلط قرار دادن پول، تولید و تجارت برای تشکیل الیگارشلی مالی و بورژوا کمپرادوری به پیش می رود، از بخش های بسیار مهمی که این کمپنی ها به آن ها توجه جدی دارند. بعد از اشغال، در کشور

ما ۱۶ مؤسسه بانکی به فعالیت مشغول است که در آن سه بانک دولتی، هشت بانک خصوصی و پنج نمایندگی بانک خارجی فعالیت دارد. تعداد نمایندگی ها و سایر تسهیلات بانک های تجارتي موجود در کشور عبارت است از:

نمایندگی ها با ساحة فعالیت غیر محدود : ۱۲۷

نمایندگی ها با ساحة فعالیت محدود : ۵۶

ماشین های خود کار صرافي (ATM) : ۲۷

دفتر رابطه بانک های خارجی : ۲

مجموع : ۲۱۲

به علاوه شاخه ها و نمایندگی ها و مراکز بانک های تجارتي، حدود ۷۴ شاخه بانک مرکزی نیز مصروف کار می باشد. تسهیلات مربوط به بانک های تجارتي در ۲۰ ولایت و شهر کابل وجود دارد. ضمناً تا حال ۱۰۱ جواز خدمات پولی و ۳۳۰ جواز صرافي در سرتاسر کشور داده شده است که از آن جمله ۱۷۴ جواز مربوط ولایت کابل می باشد.

قروضی که تا حال از سوی بانک ها پرداخته شده است، عبارت است از:

قروض تجارتي: ۸۹.۸۴ درصد

قروض زراعي: ۰.۱۷ درصد

قروض کوچک برای مصارف شخصی: ۲۵.۲ درصد

قروض رهايشی برای اشخاص: ۲.۳۸ درصد

سایر قروض: ۳۶.۵ درصد

از روی وجوه قرضی بالا به روشنی دیده می شود که سطح سرمایه گذاری در بخش زراعت بسیار پایین می باشد، اما به تجارت توجه بسیار صورت می گیرد. درین قروض تولید صنعتی جایی ندارد، چون امپریالیست ها به هیچ عنوان نمی خواهند که سطح تولید صنعتی را در کشورهای تحت اشغال شان بالا ببرند، زیرا این مسأله وابستگی این کشورها به امپریالیست ها را کاهش می دهد.

دارایی تمام بانک ها تا آخر سال ۱۳۸۶ بر چهارده ملیارد افغانی بالغ می گردد که بیشتر آن ها سپرده های مردم می باشد. مفاد این بانک ها در یازده ماه اول سال ۱۳۸۶ بالغ بر ۹۰۹ میلیون افغانی بوده که ازین پول بانک های خارجی چندین برابر سود برده اند.

بانک های داخلی که در افغانستان فعال است، تا دلو ۱۳۸۶ عبارت است از:

شماره	نام بانک	تعداد کارمندان داخلی	تعداد کارمندان خارجی	تعداد امانت گذاران	تعداد قرصه غیردولتی
۱	بانک انكشافی افغانستان	۶۶	۰	۱۳۰۰	۴۱
۲	کابل بانک	۱۶۷۷	۳۱	۳۰۴۵۰۹	۴۲۵
۳	عزیزی بانک	۱۹۷	۱۰	۱۲۳۳۶۲	۱۴۷
۴	بانک ملی افغان	۵۰۵	۰	۳۷۲۸۷	۴۱۷۵۹
۵	پشتنی بانک	۴۲۳	۰	۱۲۵۰	۶۰
۶	افغان یونایتید بانک	۳۰	۵	۲۵۵	۱۵
	بانک دولت افغانستان	۱۵۸	۷	۷۱۴۳	۱۹۷

تا ماه دلو سال ۱۳۸۶ مجموع سرمایه های بانکی افغانستان ۷۹ میلیارد افغانی را که معادل ۱.۶ میلیارد دالر می شود، نشان می دهد. در طول سال ۸۶، گروپ بانک های خصوصی در افغانستان ۵۶ درصد رشد، بانک های خارجی ۳۳ درصد و بانک های دولتی هشت درصد را نشان می دهد. درین میان از مجموع دارایی های بانکی ۷۵ درصد سرمایه مربوط بانک های خصوصی، ۱۶ درصد مربوط بانک های خارجی و هشت درصد مربوط بانک های دولتی می باشد که از مجموع ۷۵ درصد در بانک های خصوصی، ۳۷ درصد آن مربوط کابل بانک می باشد.

بانک های داخلی که برخی از آن ها به عنوان شاخه هایی از بانک های بزرگ سرمایه داری مخصوصاً بانک جهانی عمل می کنند، کومرز بانک المان (دومین بانک المان) از طریق کابل بانک و عزیزی بانک پول های سپرده شده مردم را به گردش جهانی پول با ۳۶ درصد سود به نفع خود دوران می دهد، در حالی که برای مردم شش درصد سود آن را می پردازند و به این طریق از پیشرفت تولید در افغانستان جداً جلوگیری می کنند. این بانک ها علاوه بر این که افغانستان را به جامعه مصرفی مبدل می سازند، فقر و بیکاری بیشتر توده ها را بار آورده، ساکنان آن را هر چه بیشتر زیر خط فقر می رانند.

توجه به سرمایه گذاری خصوصی و تبدیل عده ای از تاجران به دلالان سرمایه های غربی از کارهایی است که به سرعت در حال توسعه می باشد. داوی لمیتد دلالی بتری وارتا، تیل طیاره و تراکتورهای فرگوسن انگلیسی؛ بشیری لمیتد دلالی میلایل توتال فرانسه و جنراتور یکی از کمپنی های چینی؛ الکوزی لمیتد دلالی سگرت پاین، چای و روغن کوریای جنوبی؛ بیات دلالی افغان بیسیم؛ حبیب گلزار لمیتد دلالی کوکاکولا؛ زراب ها دلالی سگرت دن هل و غیره و ده ها دلال دیگر نمایندگی کمپنی های موتر جاپانی، موترسایکل، واترپمپ، ساختمانی، دوا، آب معدنی، سوپرکولا و غیره را به عهده دارند و ازین طریق ماهانه ملیون ها دالر به جیب می زنند که این وضعیت هر چه بیشتر در حال گسترش می باشد.

## جامعه ی مدنی

یکی از ابزارهای مهم نفوذ امپریالیزم در کشورهای تحت اشغال، جامعه مدنی آن هاست. این جامعه که مدینه فاضله روشنفکران بورژوا و وابسته به امپریالیزم می باشد، با نهادهایی چون حقوق بشر، دموکراسی لیبرال، آزادی بیان، رسانه های آزاد، انتخابات، حمایت از حقوق زن، احزاب قانونی، بازار آزاد، کمپنی ها، مدرنیسم، پلورالیسم، انجوها و غیره تمثیل می گردد. این نهادها در چارچوب نظام و اصول لیبرالیزم بورژوایی فعالیت دارند و خود را مکلف به اجرای قوانین بورژوایی دانسته، خارج از آن تمام قوانین مطروحه را مردود می دانند. تمام آزادی هایی که در بالا نام برده شد، بی حد و حصر نبوده، به وسیله تیوریسن های سرمایه داری حمایت و هدایت می گردد. به این خاطر باید با اهداف امپریالیست ها توافق و همخوانی داشته باشند، در غیر آن یک تنگه کمک ندیده، با تحدیدهای مرئی و نامرئی روبرو می گردند. ایالات متحده امریکا، انگلیس، فرانسه و امپریالیست های دیگر با این ابزارها در پنج قاره جهان نفوذ می کنند. کشتار دو میلیون رواندایی و بیش از دو میلیون سودانی را فرانسوی ها، ۲۵۰ هزار یوگوسلاویایی، یک و نیم ملیون عراقی و ۵۰۰۰۰ هزار افغان را امریکایی ها و انگلیس ها با شعار جامعه مدنی به سر رساندند و اکنون این اشغالگران در بسیاری از کشورهای جهان با این ابزار به اشغال شان ادامه می دهند.

کشورهای اشغالگر قبل از اشغال افغانستان، جواسیسی را درین راستا پرورش داده، با تشکیل انجوها عضوگیری هایی در میان آن ها نمودند، در حالی که عده ای در کشورهای غربی قبلاً پرورش یافته، به مجرد سقوط امارت طالبان یک باره در هر کنج و کنار چون سمارق رویدند و به گستراندن تیوری های جامعه مدنی با معاش های بلند دالری و یورویی به فعالیت آغاز کرده و در القای مقوله «جامعه ی جهانی» عوض اشغال توسط امپریالیست های خونخوار و با این توجیه که آمدن امریکایی ها به افغانستان «موهبتی» است که نصیب افغان ها شده، به جان کنی شروع نمودند. افراد این نهادها که جرثومه های کثیف توجیه تجاوز و بیدادگری های اشغالگران اند، از قتل و کشتاری که توسط نیروهای متجاوز بر توده های مردم می رود، از فقر و بدبختی، از بیکاری و فرار نیروهای کار به خارج، از فساد گسترده، از دست داشتن این نیروها در مواد مخدر و صدها جنایت دیگر که با این اشغال نصیب مردم ما شده است، نه تنها اعتراضی نمی کنند، که وظیفه دارند تمام این نارضایتی ها را به گردن خود توده ها و «ناآگاهی ها و نادانی های» آنان بار کنند. آنان چپ و راست این اشغال را «فرصت طلایی» می نامند و در رسانه ها کوشش می کنند که ضرورت این «حضور» را برای مردم بازگو کنند و مردم شکر بکشند که اگر این امریکایی ها در افغانستان نباشند، این همه «پول» و «نجات از طالبان» برای شان میسر نخواهد شد. افراد این نهادها به طرق و گونه های مختلفی در بدل این خدمات پول می گیرند و هر روز به تعداد این افراد چه از طریق کسانی که از غرب می آیند و چه آنانی که جدیداً در داخل افغانستان به این وظیفه گمارده می شوند، اضافه می شود و چون چوبدست اشغالگران در هر جایی که ضرورت باشد، فرستاده می شوند. فعال ترین آنان عضو شبکه های جاسوسی سیا و انتلجنس سرویس می گردند. مقرری های بسیاری از آنان مرموز و برای بسیاری غیرمترقبه می باشد. گاه رییس اداره تحقیقاتی، گاه والی و وزیر، گاه رییس فلان بخش رسانه ها، گاه رییس انجو، گاه معین، گاه مسؤول فلان بخش لویه جرگه و جرگه منطقه ای، گاه مسؤول فلان بخش یوناما، گاه آمر فلان دفتر ریاست جمهوری، گاه سفیر و اتشه و غیره تعیین می شوند. سالی چند بار به خارج سفر می کنند، پیوسته بر مدارک تحصیلی شان افزوده می گردد، معاش های شان برای همیشه مخفی می ماند، مالک خانه های لوکس، موترهای

آخرین مدل و نشست و برخاست شان همیشه در لوکس ترین هتل ها و رستوران هاست. زبان خارجی، دریشی های لوکس و نکتای پوشی از مشخصات اصلی آنانست. اصطلاحات خاصی چون بی طرفی، کپسیتی بلدینگ، پروپوزل، سی وی، ورکشاپ، انترویو، تعادل، جهانی اندیشیدن و غیره ورد زبان شان می باشد. از کلماتی چون استقلال، وطن دوستی، خدمت به خلق، توده های مردم، خیانت و غیره شدیداً نفرت دارند؛ دشمنان خونی کمونیزم بوده، بیسوادترین آنان تلاش می نمایند که نه تنها در برابر علم مارکسیزم به مقابله برخیزند، که اگر بوی چنین تفکری به مشام شان برسد، چون سگان پاسبان با تمام قوا به مقابله در برابر آن بر می خیزند و بادران شان را متوجه خطر آن می نمایند. ابزار جامعه مدنی امریکا در کشور ما تا حال مصارف بسیاری داشته، بیشترین این پول ها از طریق «یواس ای آی دی» و سفارت امریکا که زیر نظر مستقیم سیا قرار دارد، انجام می گیرد.

### «جامعه جهانی» و پیامدهای آن در افغانستان

#### امنیت مردم:

طی هفت سالی [ اکنون بیش از ۸ سال ] که کشور ما به اشغال امپریالیست های خونخوار درآمده، مردم افغانستان بدتر از گذشته در ناامنی کامل به سر می برند. اشغالگران، تفنگ به دستان جهادی و طالبانی بر جان و مال مردم بدمستی می کنند و در هر نیم ساعت یک نفر به قتل می رسد؛ روزانه ده ها مورد اختطاف اطفال، دختران و تجاوزهای دستجمعی بر دختران حتی پنج ساله صورت می گیرد. **در رأس نیروهای مزدور امنیتی یا شرفباختگان جهادی و یا خلقی- پرچمی ها قرار دارند.** کشتارهای دستجمعی از سوی امپریالیست ها و عملیات های انتحاری از سوی طالبان تمامی مردم را بر زندگی شان بی باور ساخته، ۹۹ درصد مردم ازین بابت شدیداً ناراضی می باشند. عامل تمام این بدبختی ها را همین «جامعه ی جهانی» یا امپریالیست های امریکایی، انگلیسی می دانند. در حالی که جنایتکاران طالب در میان مردم خود را منفجر می سازند، امپریالیست های اشغالگر با بمباران های کور درجن درجن مردان، زنان و کودکان افغان را توت توت می سازند و به این صورت مفهوم «فرصت طلایی»، «مدال ها» و «جامعه مدنی» امپریالیستی را برای مردم ما بیان می دارند. دولت مزدور نیز به فرمایش بادرانش قیمت مرگ هر افغان را ۲۰۰۰ دالر تعیین کرده که قیمت ۲۰ افغان فقط معاش یک ماهه یک مشاور امریکایی یا انگلیسی می شود. **قتل ۱۰۰۰ نفر در بمباران پنجوایی، ۲۰۰ نفر در بغران، ۴۰۰ نفر در ژیری، ۴۹ نفر در زرمت که امریکایی ها اجساد شان را به چاه ها انداختند، ۴۷ نفر در هسکه مینه که عروس با دست های حنا بسته تکه تکه شد، ۱۶ نفر در فارم غازی آباد، ۲۰ نفر در تگاب، ۱۸ نفر در بکوا، ۶۰ نفر در زیرکوه شیندند، ۲۷ نفر در دره پیچ، ۹۰ نفر در عزیز آباد شیندند، ۱۹ کارگر در نورستان، ۳۷ نفر در شاه ولیکوت، ۱۴ نفر در خوست و ده ها مورد دیگر که ماهیت واقعی تجاوز را به نمایش می گذارد.**

جامعه مدنی ها، مدال گیران، تکنوکرات های جاسوس و دیگر مداحان امپریالیست ها در برابر این همه جنایت بی شرمانه سکوت می نمایند و حتی کزری نیز شاه شجاع وار که در آخرین روزهای تجاوز انگلیسی «فتوای جهاد» را صادر کرد، ولی مردم او را با انگلیس ها یکجا به عدم فرستادند، درین روزها از بی صلاحیتی و شباهت دولتش با دولت مزدور تره کی شکوه سر می دهد. بسیاری به این باورند که دوران او نیز به سر رسیده و شاید دوستان «جامعه جهانی» اش، او را نیز ضیاءالحق وار برای ابد خاموش سازند. تاوان این کشتارها را فقط توده های مردم می پردازند و مزدوران آستانبوس در پشت دیوارهای بلند سمنتی مصون بوده و پاسپورت های شان آماده در

گوشه های جیب شان گذاشته شده است. اخیراً چهار جنایتکار مسلحی که به ناموس دختر نه ساله ای تجاوز کرده بودند، بی شرمانه با فرمان کرسی رها شدند و جنایتکار معروفی چون تیمور از زیر چوبه دار رهایی یافت. زورگویی، قتل، غارت، بداخلاقی و بی قیمتی توده های مردم اساساً سرشت سرمایه داری را می سازد که اگر بر این وسایل جهت استقرار سلطه استثماری خود تکیه نکند، در جهان، امپریالیستی وجود نخواهد داشت. مفهوم حضور جامعه جهانی اگر صرف درین موارد در افغانستان ارزیابی گردد، جز همان خونخواران امپریالیست چیز دیگری نیستند که کوچک ترین خوش و بش با آن ها مهر تأیید گذاردن بر تجاوز، اشغال و این همه جنایات به حساب می آید.

### فساد اداری:

لنین پیشوای کبیر پرولتاریای جهان، سرمایه داری انحصاری را جامعه چال و فریب که در آن جز به دست آوردن منفعت و پول، هیچ اخلاق انسانی وجود ندارد و پر از فساد، ناهنجاری، انارشی، تزویر و لاقانونی است، تعریف می نماید. به طور نمونه امروز در انگلستان که یکی از دو اشغالگر برتر در کشور ماست، سالانه به ارزش ۲۰ میلیارد پوند دزدی می شود که این را مردم افغانستان اینک با تمام وجود لمس می کنند. سرمایه داری با بازار آزاد و دموکراسی، فساد را به کشور ما آورده که تاریخ نظیر آن را به یاد ندارد. منابع خود سرمایه داری اعلان می دارند که در افغانستان سالانه ۴۰۰ میلیون دالر دزدی و اختلاس می شود، در حالی که این رقم کاملاً غیرواقعی است، زیرا این منابع تلاش می نمایند که این همه دزدی و اختلاس را فقط به گردن اداره مزدور افغانستان بیندازند. این دولت که مولود حرامزاده اشغالگران است، اگر تا این حد در دزدی و اختلاس غرق باشد، معلوم است که کمپنی های سرمایه داری غربی درین میان چقدر در فساد غرق خواهند بود.

کمپنی سلاح فروشی «Eiy» به فرمایش وزارت دفاع امریکا که جنرالان فاسد پنتاگون آن را به امضاء رساندند، به ارزش ۳۰۰ میلیون دالر سلاح و مهمات برای اردوی ملی تهیه نمود که بعداً معلوم شد سلاح های تهیه شده از کیفیت نازل برخوردار است. سرک میدان هوایی کابل که قرارداد آن ابتداء با یک کمپنی سرک سازی امریکایی بسته شد و بعد این کمپنی امتیاز آن را به یک کمپنی افغان فروخت، ظاهراً بر هر کیلومتر آن دو میلیون یورو مصرف شده است که این مصرف از چهار برابر حد متوسط مصرف آن بالاتر نشان داده شده است. زایشگاه خیرخانه که ابتداء توسط یک کمپنی وابسته به سازمان ملل اجاره شد و بعد پیاپی چهار بار به کمپنی های افغانی به فروش رسید، کمتر از چهل درصد پول اختصاص یافته بر این شفاخانه به مصرف رسید و بقیه به جیب این پنج کمپنی خارجی و داخلی فرو رفت. امریکایی ها برای قیصریزی شاهراه عمومی کابل- قندهار سه برابر پول اصل مصرف را از عربستان سعودی و جاپان گرفتند. این جاده بعد از یک سال دچار پرابلم های جدی ساختاری شد. از روزی که «جامعه جهانی» به افغانستان تجاوز کرده تا حال چهار میلیون جریب زمین دولتی و زمین های مردم توسط زورمندان شریک و مزدور این «جامعه جهانی» چپاول شده است. امروز ۹۰ درصد پول هایی که از جیب مردم افغانستان به نام های مختلف کشیده می شود و پول هایی که به نام کمک به افغانستان می آید، دوباره به جیب کمپنی ها و یک درصد زورمندان اداری، جاسوسان و دلالان فرو می رود. در بدل چند متر مربع زمین ملکیت وزارت دفاع که برادران فهیم و خلیلی برای آن در بدل ۴۰ هزار دالر قبالة جعلی ساخته بودند، به قیمت ۶۵۰۰۰۰ دالر به فروش رساندند و برای اعمار آن حداقل دو بار شاروال کابل ۶۰ هزار دالر رشوه گرفت. عزت الله واصفی که بعد رییس مبارزه با فساد اداری شد، وقتی در فراه والی بود، ماهانه ۳۰ هزار دالر از رییس گمرک آن ولایت «حق» می گرفت و ۳۰۰ هزار لیتر تیلی که ایران برای زارعان آن ولایت «کمک» کرده بود، یک قطره آن به

ولایت نرسید و همه به پول نقد تبدیل و به جیب «رییس مبارزه با فساد» جا گرفت. این «رییس مبارزه با فساد اداری» به خاطر قاچاق هیرویین هفت ماه در زندان های امریکا زندانی بود، ولی همین امریکایی ها در کابل او را رییس مبارزه با فساد مقرر کردند!! در وزارت معارف بیش از ده هزار معلم و مامور که وجود خارجی نداشتند، معاش شان را بزرگان وزارت به جیب می زدند. این در حالیست که مردم در چند ولایت علف و برگ درخت می خوردند و در چند ولایت اولادهای شان را به فروش می رسانند. وزارت معارف برای تجلیل روز معارف هشت هزار چتری ۳۰ افغانیگی را ظاهراً ۱۰۰۰ افغانیگی می خرد و برای سه ساعت از آن ها استفاده می شود. اگر این لست را ادامه دهیم، برای اتمام آن به ده ها من کاغذ ضرورت خواهد بود. «جامعه جهانی» و «فرصت طلایی» نه تنها در افغانستان، که در عراق و نقاط دیگر جهان نیز چنین وضعیتی را حاکم می سازند. حاکمیت عده ای اندک که با هزار فساد، خدعه و نیرنگ شیرۀ جان توده ها را می مکند و یک اکثریت بزرگ گرسنه و دست پر آبله که گاه شب ها بی نان می خوابند، ایدیولوژی سرمایه داری است که نمایندگان امپریالیست آنان اکنون افغانستان را به نام «جامعه جهانی» اشغال کرده اند و چنین وضعیتی بر کشور ما حاکم شده است.

ادامه دارد